

فرهنگ ظرفیت نحوی افعال فارسی

مؤلف:

مهربانو سیف‌اللهی

سرشناسه: سیف‌اللهی، مهربانو، ۱۳۶۳ -
عنوان و نام پدیدآور: فرهنگ ظرفیت نحوی افعال فارسی / مؤلف مهربانو
سیف‌اللهی

مشخصات نشر: گرگان: مختومقلی فراغی، ۱۳۹۰.

مشخصات ظاهری: ۲۴۳ ص.

شابک ۹-۵۸۴-۵۰۸-۹۶۴-۹۷۸:

موضوع: فارسی -- فعل

موضوع: فارسی -- دستور

رده بندی کنگره: IPIR/۲۷۷۱/س ۹۴۹-۴ ۱۳۹۰

رده بندی دیویی: ۵۴۴

شماره کتابشناسی ملی: ۲۶۲۱۸۴۸

فرهنگ ظرفیت نحوی افعال فارسی

مؤلف: مهربانو سیف‌اللهی

ناشر: انتشارات مختومقلی فراغی، ۲۲۶۸۶۷۰ - ۰۱۷۱

آدرس: گرگان، خ شهید بهشتی، بهشت ۱۷، روبروی بیمارستان دزیانی

چاپ و صحافی: چاپ افست مختومقلی ۲۲۶۸۶۹۰ - ۲۲۶۳۵۵۰ - ۰۱۷۱

نوبت چاپ: اول / ۹۰

قطع: رقعی

قیمت: ۶۰۰۰ تومان

شابک: ۹-۵۸۴-۵۰۸-۹۶۴-۹۷۸

شمارگان: ۵۰۰

۴۰.....	۲.۲. چه ترکیباتی فعل مرکب نیستند
۴۱.....	۲.۲.۱. اسم + فعل بسیط
۴۵.....	۲.۲.۲. اسم + فعل داشتن
۴۶.....	۲.۲.۳. قید + فعل بسیط
۴۷.....	۲.۲.۴. صفت + فعل ربطی
۴۸.....	۲.۲.۵. صفت + فعل سببی
۵۰.....	۲.۲.۶. فاعل + فعل بسیط
۵۰.....	۲.۲.۷. جملات غیر شخصی
۵۱.....	۲.۳. چه ترکیباتی فعل مرکب هستند
۵۷.....	فصل سوم: فرهنگ ظرفیت نحوی افعال
۵۸.....	علائم و نشانه‌های اختصاری
	فصل چهارم: ساختارهای بنیادین فارسی بر اساس میزان کاربرد
۲۲۵.....	آن‌ها
۲۳۲.....	منابع

مقدمه

فرهنگ ظرفیت فعل حاضر بر اساس دستور وابستگی و نظریه ظرفیت نوشته شده است. در نظریه ظرفیت، فعل مرکز ثقل ساختاری جمله و تعیین کننده تعداد و انواع متمم‌های جمله است. در واقع در هر جمله فعل هسته و سایر عناصر یا وابسته فعل و یا وابسته‌ی وابسته‌ی فعل هستند. در این فرهنگ سعی کرده‌ایم تعداد و انواع متمم‌ها و ساخت‌های بنیادین حدود ۶۵۰ فعل از افعال پر کاربرد فارسی را استخراج کنیم. ساخت‌های بنیادین ساخت‌هایی هستند که تمام جملات زبان بر اساس آن‌ها به وجود می‌آید و نیز تمام جملات زبان قابل تقلیل به این ساخت‌ها هستند.

چنین فرهنگی نخستین بار توسط هلیگ و شنکل آلمانی در سال ۱۹۶۸ منتشر شد. در زبان فارسی نیز لیا کبیری (۱۳۸۵) در رساله‌ی خود تحت عنوان "فرهنگ ظرفیت افعال فارسی" دست به این اقدام زده و چهار حرف از حروف الفبای فارسی شامل (آ، ب، پ، ج) را بررسی کرده است. فرهنگ حاضر گامی در راه تکمیل این کار و دستیابی به فرهنگی است که کمک به تسهیل

استخراج متمم‌ها و ساخت‌های بنیادین افعال فارسی باشد.

فرهنگ مذکور شامل چهار فصل است. در فصل اول این کتاب به دستور وابستگی و نظریه ظرفیت پرداخته‌ایم و هر کدام را به اختصار توصیف کرده‌ایم. همچنین متمم‌های فعل در فارسی را بر اساس آنچه طبیب‌زاده (۱۳۱۵) بیان نموده، آورده‌ایم و برای هر یک توضیح و مثال ارائه کرده‌ایم. لازم به ذکر است که از بین متمم‌ها، متمم قید مکان را حذف کرده‌ایم، چرا که متمم قید مکان در واقع همان مفعول حرف اضافه‌ای در افعال حرکتی است. بنابراین ترجیح دادیم تا به تعداد متمم‌ها نیفزاییم. البته باید توجه داشت که مفعول حرف اضافه‌ای در افعال حرکتی ممکن است با قید مکان اشتباه شود. برای تمایز نهادن میان قید و مفعول حرف اضافه‌ای می‌توان از آزمون جانشینی استفاده کرد. با حذف متمم‌های اجباری، جمله بدساخت یا ناقص می‌شود، اما با حذف غیر متمم‌ها (قید) جمله بدساخت یا ناقص نخواهد شد:

الف) مینا در همدان سکونت دارد.

* مینا سکونت دارد.

(ب) علی در کرمان کار می کند.

علی کار می کند.

بنابراین گروه حرف اضافه‌ای در جمله (الف) متمم و مفعول حرف اضافه‌ای است. اما گروه حرف اضافه‌ای در جمله (ب) قید است.

همچنین ذکر تفاوت بند قیدی از بند متممی، به علت کثرت کاربرد آن در فرهنگ ضروری می‌نماید. بندهای قیدی را می‌توان به صورت گروه حرف اضافه‌ای برای درآوردن ولی در مورد بندهای متممی این کار مقدور نیست:

(الف) علی آمد که مرا ببیند.

علی برای دیدن من آمد.

(ب) علی گفت که می‌آید.

✻ علی برای آمدن گفت.

بنابراین جمله (ب) دارای بند متممی و جمله (الف) دارای بند قیدی است.

در فصل دوم نکاتی ضروری در مورد فرهنگ را بیان نموده‌ایم؛ فرهنگ حاضر شامل ۶۵۴ فعل از انواع مرکب، پی‌بستی، پیشوندی، بسیط و ربطی است که از بین هزار فعل که از فرهنگ دانش آموز سخن گرفته شده بود، انتخاب کرده ایم. افعال قدیمی و مهجور مانند: «آرامیدن،

بانگ زدن، پیراستن، تاخت آوردن، روفتن و... « و افعال
محواره‌ای مانند «اخ کردن، بز آوردن، پا خوردن، جیک
زدن، واماندن و... « و افعال ادبی مانند «باراندن،
برآوردن، پستی گرفتن، کاویدن، هراسیدن و... « را
نیاورده و سعی کردیم تنها افعالی را که در فارسی معیار
امروز کاربرد دارند، بنویسیم. در هر مدخل در برابر هر
فعل نوع آن (بسیط، پیشوندی، پی‌بستی و مرکب) معانی
متعدد آن و ظرفیت نحوی و بنیادی آن فعل را آورده‌ایم
و مثالی نیز از کاربرد هر فعل در جمله آورده‌ایم. مثال‌ها
را تا حد امکان به منظور تسهیل در تشخیص متمم‌های
فعل ساده کرده‌ایم.

در این فرهنگ ساختهای مشتق شامل ساختهای
مجهول مانند «آب شدن، پرس شدن، تا شدن، غیب
شدن و... « و نیز ساختهای سببی مانند «پوشاندن،
ترساندن، ترکاندن، غلتاندن، نوشاندن و... « را نیاوردیم.
البته در برخی موارد که فعل ساخت سببی داشت اما در
معنایی به جز معنای فعل لازم به کار می‌رفت، آن افعال
را آورده‌ایم مانند افعال «پراندن، چپاندن، چکاندن،
رساندن».

در این فصل همچنین در مورد زنجیره‌هایی بحث
کرده‌ایم که در فرهنگ سخن فعل مرکب فرض شده اند

اما در واقع مرکب نیستند. این زنجیره ها شامل موارد زیر هستند:

(۱) مفعول + فعل: امضا گرفتن، بوس دادن، تخصص گرفتن، شهید دادن... .

(۲) مسند + فعل ربطی: اول شدن، بلد شدن، بیچاره شدن، بیر شدن، سبز شدن... .

(۳) باعل + فعل: آفتاب زدن، باران آمدن، برف آمدن... .

(۴) مسند + فعل بسیبی: برجسته کردن، بیکار کردن، عصبی کردن، یکی کردن... .

(۵) قید + فعل: بیرون آوردن، پایین آمدن، عقب رفتن، عقب نشستن... .

(۶) جملات غیر شخصی: آفتاب شدن، صبح شدن، غروب شدن... .

لازم به ذکر است که افعالی را که از نظر ساخت شبیه به افعال گروه ۲ هستند اما مرکب و متشکل از همراه+ همکرد می‌باشند در فرهنگ نوشته‌ایم مانند «بلند شدن، پا شدن...» توجه شود که بلند شدن در اینجا در معنای "از جای برخاستن" است.

پس از ذکر موارد فوق شش معیار به ترتیب زیر به منظور تشخیص فعل مرکب از چنین زنجیره‌هایی به دست

دادیم که در ادامه به شکل کامل شرح خواهیم داد.

(۱) فعل مرکب یک واحد معنایی است و معنای ترکیبی ندارد.

(۲) عبارتی متشکل از یک اسم و فعل گذرا که مجموعاً به یک مفعول رایی نیاز دارد، فعل مرکب است.

(۳) عبارتی متشکل از یک اسم و فعل گذرا که مجموعاً مانند فعل ناگذرا عمل کرده و به مفعول احتیاج ندارد، فعل مرکب است.

(۴) عبارتی متشکل از یک اسم و فعل گذرا که در آن بتوان هر اسمی را جایگزین اسم مفروض کرد، فعل مرکب نیست.

(۵) در عبارات متشکل از یک اسم و فعل گذرا (اغلب زدن، دادن، گفتن، گرفتن) اگر بتوان این عبارت را با قید چند بار به کار برد، فعل مذکور مرکب است. اما اگر با عبارت چند تا به کار رود و عبارت حاصل قابل قبول باشد، فعل، مرکب نیست.

(۶) در عبارات متشکل از یک اسم و افعال زدن و خوردن اگر بتوان اسم را با کمک حرف اضافه‌ی یا در نقش ابزاری به کار برد، فعل مفروض مرکب نیست.

فصل سوم کتاب حاضر فرهنگ ظرفیت نحوی افعال
است. فصل چهارم به بررسی میزان کاربرد ساختهای
بنیادین افعال فارسی اختصاص دارد. در این فصل پس از
بررسی نحوی افعال فارسی و مقایسه‌ی ساختهای
بنیادین آن‌ها با یکدیگر به نتایجی در مورد میزان کاربرد
این ساخت‌ها رسیده و جدولی بر این اساس به دست
داده‌ایم.